

انگیزه‌های تکفیر در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

□ ایچادحسین حسن مجتبی * *

چکیده

تکفیر در طول تاریخ با فراز و نشیب مسیر خود را تا به امروز طی کرده که در عصر امروز به اوج خود رسیده است و به نام اسلام چه خون‌های بی‌گناه به زمین ریخته شده که دل هر انسان را به درد می‌آورد و چه انسان‌هایی آواره و چقدر کودکان یتیم و زنها بیوه شدند. جریان تکفیر با انگیزه‌های خاص جلو آمده است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) درباره انگیزه‌های جریان تکفیری صحبت‌های ناب و شفاف و روشنگری دارد که راه‌گشای هر انسان در مسیر زندگی و آشنا شدن به وجه واقعی تکفیر است. در همین راستا، تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که انگیزه‌های جریان تکفیر از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) چیست؟ پاسخ این پرسش و در واقع فرضیه‌ی پژوهش این است که از دیدگاه ایشان اندیشه تکفیری، انگیزه‌هایی از جمله انحراف مسلمانان از خط اصلی و تفرقه بین مسلمانان و... است.

کلیدواژه‌ها: انگیزه، مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، تکفیر، جریان تکفیر، اندیشه.

* دکتری فقه و معارف اسلامی، گرایش کلام اسلامی.

تبیین مسئله

موضوع تکفیر همواره در طول تاریخ اسلام مورد بحث بوده و در مقاطع مختلف تاریخی از شدت و ضعف برخوردار بوده است؛ چون در طول تاریخ بعد از رحلت پیامبر (ﷺ)، تفکرات مختلفی ظهور کردند. برخی از این تفکرات، جامعه اسلامی را به سمت افراط و برخی به سوی تفریط کشاندند. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به عنوان یک اندیشمند بزرگ جهان اسلام در مسائل مختلف دینی، اندیشیده و مطالب را راجع به تکفیر بیان داشته‌اند. ایشان از این جریان، به "شجره خبیثه تکفیر" تعبیر می‌کنند. در میان مسلمانان، بعد از حضرت امام خمینی علیه السلام، شخصیت بزرگوار ایشان هست که اتحاد و وحدت مسلمانان را حفظ کرده و تلاش می‌کنند که وبای تکفیر را از مسلمانان ریشه‌کن کنند. از این رو همواره در سخنرانی‌ها و فرمایشات ایشان بر وحدت، بصیرت و بیداری امت اسلامی تأکید دارند و از حربه تکفیر امت اسلامی را آگاه می‌سازند. با توجه به اینکه سخنان حضرت آقا راه‌گشای خیلی از گره‌هایی در امت مسلمان می‌شود، انگیزه ایجاد شد که "انگیزه‌های جریان تکفیری" را در اندیشه ایشان تبیین نماییم و ببینیم که انگیزه‌های تکفیری طبق دیدگاه ایشان چیست؟

از این رو، ضرورت این پژوهش با توجه به تحولات منطقه و جهان، بیش از پیش روشن، و به عظمت این اکتشاف ارجمند منطقی باور داشته و نقش گره‌گشایی آن را در ارائه راهکارهای مناسب در فراروی جهان اسلام، تمیز می‌دهد. پرسش بنیادین این است که، انگیزه‌های جریان تکفیر از نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) چیست؟

پیشینه‌ای تکفیر

تکفیر در میان مسلمانان، به پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله باز می‌گردد. برخی از حوادث مهم تاریخی در دهه‌های آغازین اسلام، به سبب تکفیر روی داده است. از جمله رویدادهای مهم دوران پس از رحلت پیامبر اسلام جنگ‌های «رده» در زمان حضرت ابوبکر رضی الله عنه بود که در این جنگ‌ها دستگاه خلافت معارضان خود را کافر و خارج از دین خواند. (طبری، ۱۹۹۱: ۱/۱۵ و ۱۶ و ۲۳) اندیشه تکفیر و وجود افرادی که بر این روش فکری

رفتار می‌کنند، نه تنها یک واقعیت غیرقابل انکار در دوران معاصر است که کمابیش در دوره‌های مختلف وجود داشته است اما تردیدی نیست که سالهای اخیر، این اندیشه سم آلود، به کمک دست‌های پیدا و پنهان تبلیغاتی، جلوه جدیدی به خود گرفته است.

شکل‌گیری گروه خوارج

مسئله دیگر پس از رحلت پیامبر اسلام در میان مسلمانان، مسأله امامت و خلافت قرار داشت. می‌توان گفت دومین اختلاف اساسی که با فاصله اندکی از آن اختلاف نخست ظهور کرد، بر محور ایمان بوده و نخستین گروهی که در این صحنه ظاهر شدند، خوارج بود. با شکل‌گیری آنان بحث ایمان و کفر که ریشه در قرآن و کلمات پیامبر اسلام داشت به صورت جدی مطرح گردید. ویژگی مهم خوارج، است.

پیدایش گروه خوارج، به جریان جنگ صفین برمی‌گردد. در هنگام جنگ، معاویه که در آستانه شکست قطعی قرار گرفته بود، با مشورت عمرو بن عاص نیرنگ عجیبی زد و دستور داد قرآن را بر نیزه کنند و ندا دادند که میان ما و شما قرآن داوری کند. این نیرنگ در گروه‌هایی از سپاه امیر مؤمنان علی^{علیه السلام} کارگر افتاد و آن‌ها خواستار توقف جنگ شدند و امیر مؤمنان علیه السلام را برخلاف میل، به پذیرش صلح و حکمیت وادار کردند. وقتی امام به ناچار آن‌را پذیرفت، آن‌ها از نظر خود برگشتند و قبول حکمیت را گناهی بزرگ دانستند و به امام فشار آوردند که قرارداد خود را لغو کند و از گناهش توبه کند، همان‌گونه که آن‌ها خود توبه کردند و شعار «لا حکم الا لله» سردادند، ولی امام از این کار خودداری نمود و به همین خاطر خوارج دست به شورش زدند (ابن مزاحم، ۱۳۸۲: ۳۱۵).

خوارج معتقد بودند مسلمانی که گناه کبیره از او سر می‌زند، از اسلام خارج شده و کافر است، مگر این‌که توبه کند؛ زیرا به باور آن‌ها میان ایمان و کفر واسطه‌ای نیست و عمل هم جزء ایمان است. بنابراین، گناه ایمان را از میان می‌برد و شخص کافر می‌شود. آنها معتقد بودند تمام گناهان، کبیره است و چیزی به نام گناه صغیره نداریم (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۵: ۶۳۲) عقیده افراطی خوارج در مورد مرتکبان کبائر و تکفیر مسلمانان، آثار ویرانگری در جامعه

اسلامی به بار آورد و سبب شد که آن‌ها با بهانه‌های واه، ی خون مسلمانان را بریزند. بسیاری از فرقه‌های خوارج کسی را که مرتکب یکی از گناهان کبیره می‌شد، تکفیر می‌کردند (شهرستانی، ۱۹۶۷: ۱/۱۲۸).

تاریخ به همین ترتیب تکرار شد و خوارج زمان حضرت علی علیه‌السلام، ادامه پیدا کرد؛ در وجود آمدن صلح امام حسن مجتبی علیه‌السلام، خوارج مقصر بودند و در جریان حادثه عاشورا نیز این تفکر، علیه مرکزیت امامت شورش کردند؛ اگر چه این اعتقاد خوارج در تاریخ تضعیف شد اما از بین نرفت. و تا امروز ادامه دارد. ناصر البانی، در این باره می‌نویسد: «تکفیر عاصیان، راه خوارج در گذشته بود و روش کسانی که به راه آن‌ها می‌روند و برخی گروه‌ها امروز از آنان پیروی می‌کنند که از جمله آن‌ها، گروه «تکفیر و هجرت» است که نمونه‌ای از خوارج در عصر جدیدند. آن‌ها حاکمان، اشخاص و جامعه‌های اسلامی را تکفیر کردند» (البانی، ۱۴۱۸)

ابن تیمیه از علمای حنبلی

ابن تیمیه در مورد مسائلی مانند زیارت قبر اوصیا و اولیا، شفاعت، ساختن و تزئین قبور، برپایی مجالس برای بزرگان دین، تبرک و توسل جستن به ایشان، سوگند یاد کردن به غیر نام خداوند، رؤیت حق تعالی و... نظرات خاصی ارائه کرده است که بطور مختصر اشاره می‌کنیم:

۱. زیارت قبر پیامبر (ﷺ) ابن تیمیه معتقد است که هرکس صرفاً به قصد زیارت قبر پیامبر به مدینه رود از دین رسول الله خارج گشته است (ابن تیمیه، بی تا: ۱۸) بنابراین وی مردم را از زیارت قبر پیامبر (ﷺ) و دیگر قبرها منع کرده و آن را حرام می‌دانسته است (امین، ۱۳۴۷: ۴۵۹) وی معتقد است که سفر برای زیارت قبر پیامبر، سفر معصیت می‌باشد و به همین جهت باید نماز را در سفر تمام خواند و قصر نماز جایز نیست (ابن تیمیه، بی تا: ۲۷).

۲. ساختن و تزئین قبور: ابن تیمیه در رابطه با ساختن قبور و تزئین آن می‌گوید: «مسجد فقط برای عبادت خدا بنا می‌شود و نمی‌توان نزد قبور مخلوقان و به احترام ایشان مسجدی بنا کرد و یا به سوی قبرهایشان و به قصد زیارت مسافرت نمود» (ابن تیمیه، بی تا: ۳۸)

او هم چنین در مورد قبرستان بقیع و قبرهای موجود در آن اعتقاد دارد اگر اموری از قبیل

دعا، تضرع، طلب حاجت، استغاثه و امثال آن نزد قبور انجام گیرد، باید منع و آنچه به عنوان مسجد در اطراف قبرها بنا گردیده، باید ویران شود و اگر باز هم امور مذکور تکرار شود، لازم است اثر قبر محو شده و هیچ نشانی از آن باقی نماند (ابن تیمیه، بی تا، ۹۹).

این همان اندیشه‌ای است که امروزه گروه تکفیری داعش را بر تخریب مقابر انبیا و صالحان سوق داده است. تخریب مقبره حجر بن عدی صحابه بزرگوار پیامبر اکرم (ﷺ) از این دست جنایات است که ریشه در افکار ابن تیمیه دارد.

۳. انجام مراسم مذهبی در کنار قبور: ابن تیمیه معتقد است که انجام مراسم مذهبی از جمله دعا و اقامه نماز در کنار قبر صالحان ممنوع است و باید از آن جلوگیری به عمل آید. ابن تیمیه برای توجیه اعتقاد خود چنین می نویسد:

اصحاب هنگامی که نزد قبر رسول اکرم (ﷺ) می آمدند، به او سلام می کردند، اما هنگامی که می خواستند دعا کنند، روی خود را از قبر آن حضرت برگردانده و به طرف قبله متوجه می شدند و هیچ یک از اصحاب سلف نگفته است که برپایی نماز در کنار قبور، مستحب و از هر کار دیگری با فضیلت تر است (طبری، ۱۴۲۰: ۱۴۵).

۴. برپایی جشن یا عزاداری به مناسبت بزرگداشت بزرگان دین: ابن تیمیه برپایی جشن‌ها به منظور بزرگداشت میلاد معصومان و صالحان را نوعی بدعت می پندارد و می گوید: برپایی جشن به مناسبت ولادت پیامبر امری حادث است و اصالتی ندارد و از جمله اموری است که پیشینیان به آن همت نگمارده‌اند و هیچ کس نه از اهل بیت و نه دیگران چنین ایامی را جشن نگرفته است، بلکه این گونه اعمال از جمله کارهایی است که یهودیان و مسیحیان به مناسبت ایام خاص خود انجام می دهند (ابن تیمیه، بی تا: ۲۹۳).

۵. عدم شرکت در نماز جماعت: ابن تیمیه معتقد است اگر کسی همسایه مسجدی باشد، اما به خاطر وضع شغلی و کسب خود نتواند در نماز حاضر شود، در صورت عدم توبه باید او را کشت (ابن تیمیه، بی تا: ۳۶۶).

۶. رؤیت و حرکت و جابه‌جایی خداوند: ابن تیمیه به رؤیت خداوند اعتقاد داشته و علاوه بر قائل بودن به وجود مکان برای خداوند و رؤیت او، به حرکت و جابه‌جایی خداوند نیز اعتقاد دارد: «روزی ابن تیمیه در مسجد جامع دمشق مشغول عظ و خطابه بود که این جمله

را در لابه لای سخنانش به میان آورد: «ان الله ينزل الى سماء الدنيا كنزولى هذا»؛ یعنی خداوند به آسمان دنیا فرود می آید، مانند این فرود آمدن من، سپس ابن تیمیه از منبر به پایین فرود آمد» (ابن بطوطه، ۱۴۰۵: ۵۷).

۷. سجاده انداختن برای نماز: ابن تیمیه سجاده انداختن برای اقامه نماز را نوعی بدعت می داند و می گوید:

اگر مقصود نمازگزار، این باشد که بر روی سجاده نماز بخواند، این کار برخلاف سنت سلف، از مهاجران، انصار و تابعان است؛ زیرا آن‌ها بر روی زمین، نماز می گزارند و هیچ یک سجاده ای مخصوص نماز نداشته اند. مالک گفته است که سجاده انداختن برای نماز بدعت است (ابن تیمیه، بی تا: ۳۳).

۸. سوگند به غیر خداوند: درباره سوگند به غیر خداوند می گوید: «اتفاق نظر علما بر آن است که سوگند به مخلوقات باعظمت مثل عرش، کرسی، کعبه و ملائکه جایز نیست» (ابن تیمیه، بی تا: ۲۲).

۹. تبرک: ابن تیمیه و مریدانش، تبرک جستن و بوسه بر قبور شریفه و اظهار ارادت به صاحبان آن قبور را حرام دانسته و اشخاصی را که مبادرت به این امر کنند، کافر و مشرک خطاب می کنند: کسی که نزد قبر پیامبر (ﷺ) یا فرد صالحی بیاید و نسبت به آن مزار تبرک جوید، به قصد آن که مثلاً مرضش شفا یابد و یا قرضش ادا گردد و یا در زندگی اش فرج و برکتی حاصل آید، به طور آشکارا مشرک شده است و باید توبه کند، در غیر این صورت باید کشته شود (امین، ۱۳۴۷: ۲۱۴).

۱۰. بی احترامی به اهل بیت (علیهم السلام): ابن تیمیه ضدیت خود با مذهب تشیع را رسماً آشکار می کرد و شیعیان را رافضی می خواند و در مخالفت خود با ایشان تا آنجا پیش می رفت که می گفت: «علی (ع) در بسیاری از موارد اشتباه داشته است» (ابن حجر عسقلانی، بی تا: ۱۶۴) و یا در مورد حضرت سیدالشهدا (ع) چنین پرده در می می کند: «حسین به سبب ایجاد فتنه و شری بزرگ بر یزید خروج کرد و یزید نمی خواست وی را بکشد، اما به جهت حفظ ملک و پادشاهی خود، مجبور به چنین کاری گشت» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۲۰۷) و می گوید: یزید را نباید مورد لعن و نفرین قرار داد (ابن تیمیه، ۱۴۰۰: ۲۵۲). با اندک نظری می توان اندیشه های ابن تیمیه را دقیقاً در اندیشه ها و رفتار

وحشیانه تفکرات گروه‌های نوین افراطی و تکفیری مشاهده نمود.

وهابیت

وهابیت اساسی‌ترین پایه اندیشه تکفیر و گروه‌های افراطی نوین، وهابیت است. بنیاد مذهب وهابیت در سرزمین عربستان و در شهر نجد پایه ریزی شده است.

محمد بن عبدالوهاب، مؤسس فرقه وهابیت در سال ۱۱۱۱ق (امین، ۱۳۴۷: ۳) و به قولی در سال ۱۱۱۵ق (آلوسی، تاریخ نجد، ۱۳۴۷: ۱۱۳)، در «عینیه» یکی از شهرهای سرزمین نجد متولد شد. محمد بن عبدالوهاب از کودکی به مطالعه کتب دینی علاقه مند شد. فقه حنبلی را نزد پدرش عبدالوهاب آموخت. در آغاز جوانی اعمال مذهبی مردم را زشت می‌شمرد از جمله توسل مردم به پیامبر اکرم (پ) را در کنار قبر آن حضرت انکار نمود. در سفرهایی به مکه، مدینه، بصره، شام و دیگر شهرها، مقدسات مذهبی مردم را به سخره می‌گرفت و عملاً در مقابل آن موضع‌گیری می‌کرد (سبحانی، ۱۳۸۰: ۲۴).

در همان زمان عده‌ای از علما به مخالفت با عقاید محمد بن عبدالوهاب او پرداختند. نخستین کسانی که به شدت با افکار او به ستیزه برخاستند، پدرش عبدالوهاب و برادرش سلیمان بودند (امین، ۱۳۴۷: ۳). عبدالوهاب از علمای صالح مکه بود. وی زمانی که آثار گمراهی و ضلالت را در رفتار و گفتار پسر خود مشاهده نمود، وی را سرزنش کرده و مردم را از پیروی‌اش برحذر داشت. برادرش سلیمان نیز از بدعت‌های او انتقاد می‌کرد و بر وی خرده می‌گرفت و سرانجام کتابی به نام «الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه» در رد افکار برادر خویش تهیه نمود (امین، ۱۳۷۶: ۳).

محمد بن عبدالوهاب با استفاده از قدرت حکومت، افکار خود را ترویج می‌کرد و پیروانی را دور خود جمع نمود. کسانی که با عقاید او مخالف بودند، مانند کافر حربی برخورد می‌کرد و برای جان و ناموس آن‌ها ارزشی قائل نبود (سبحانی، ۱۳۸۰: ۲۶).

پس از آنکه وهابیان به کمک آل سعود بر تمام شبه جزیره عربستان تسلط یافتند، روزهای پیاپی مردم مکه را توبه می‌دادند و آن‌ها را از کارهایی که به اعتقاد ایشان، شرک بود، از قبیل

توسل و زیارت قبور بر حذر می‌داشتند (زینی دحلان، ۱۳۹۶: ۷۲). یکی دیگر از اقدامات وهابیت، ویران‌سازی گورها و قبرستان‌های شهرهای مقدس مکه و مدینه، به‌ویژه قبرستان بقیع بود. (صلاح‌الدین، ۱۳۹۰: ۹۲). وهابیان علاوه بر تخریب قبور، شیعیان را در مناطق شیعه‌نشین به خاک و خون کشیدند. مرحوم عاملی در کتاب «مفتاح الکرامه» در خصوص تعرّض به نوامیس مسلمانان و کشتار آنان به دست وهابیت چنین نوشته است: «دل در نگرانی و اضطراب بود؛ زیرا اعراب عنیزه که وهابی هستند، اطراف نجف اشرف و کربلای حسینی را احاطه کرده‌اند. راه‌ها را بسته و زوار سیدالشهدا را که به شهرهای خود بازمی‌گشتند، غارت نموده و بسیاری را به قتل رسانده‌اند (عاملی، بی‌تا: ۶۵۳/۷).

عقاید محمد بن عبدالوهاب

۱. عبدالوهاب مسلمانان عصر خویش و ماقبل خویش را بدتر از کفار قریش شمرده و می‌گوید: «شب و روز به درگاه خداوند سبحان دعا می‌کردند. سپس برخی از آنها از ملائکه درخواست می‌کردند به سبب پاکی و قربشان نزد خدا، از خداوند برای شان طلب آمرزش کنند. یا شخص صالحی مثل لات یا پیامبری مانند عیسی را عبادت می‌کردند و دانستی که پیامبر (ﷺ) به سبب این شرک با آنان جنگید و به اخلاص در عبادت دعوتشان کرد. بنابراین پیامبر (ﷺ) با آنان جنگید، تا همه دعاها، نذرها، قربانی‌ها، استغاثه‌ها و عبادات برای خدا باشد» (عثمین، ۱۴۲۶: ۳۴۳۶/۱۰).

به نظر محمد بن عبدالوهاب، بسیاری از اهالی نجد و حجاز منکر قیامت هستند و در هر شهری از شهرهای نجد بتی وجود دارد که به جای خدا پرستش می‌شود. هم‌چنین او در نامه‌ای خطاب به ابن‌عبداللطیف متذکر می‌شود که آنان انسان و سنگ را می‌پرستند. او بیان می‌دارد: هیچ‌یک از اهل علم را نمی‌شناسد که با دیدگاه او مخالف باشند، مگر کسانی که به جبت و طاغوت ایمان دارند. او علمای شهر ابن‌عبداللطیف را مشکوک به شرک اکبر معرفی می‌کند، بلکه او را متهم کرده است که دیگران را به شرک اکبر فرامی‌خواند (همان: ۴۳۵۴/۱۰).

در نقد تکفیرگرایی وهابیت، سلیمان بن عبدالوهاب، برادر محمد بن عبدالوهاب و از

فقه‌های حنبلی می‌گوید:

پیامبر (P) خبر داده است که این امت تا ابد در راه راست خواهد ماند و هرگز منحرف نخواهد شد. پس معلوم می‌شود این اموری که به سبب آن‌ها مسلمانان را تکفیر می‌کنید، پیوسته در زمان‌های قدیم وجود داشته و در بلاد مسلمانان شایع بوده است. پس اگر اینان بت باشند و کارهایی که مردم در برابر آنان انجام می‌دهند، بت پرستی محسوب شوند، پس امر این امت مستقیم نمانده و منحرف گشته است (سلیمان بن عبد الوهاب، ۱۴۲۰: ۵).

۲. در مورد خورد تند محمد بن عبد الوهاب با مردم، زینی دحلان می‌نویسد:

از جمله کارهای زشت محمد بن عبد الوهاب این بود که چون مردم را از زیارت قبر پیامبر (P) منع کرد، عده‌ای از مردم احساساً عازم زیارت رسول خدا (P) شدند، شیخ محمد از این امر باخبر شد و چون عبور آن مردم از درعیه (مقر محمد بن عبد الوهاب) بود، در آنجا جلو آن‌ها را گرفتند و به دستور وی ریش همه آن‌ها را تراشیدند و در فاصله درعیه تا احساس، آن‌ها را وارونه سوار مرکب‌هایشان کردند و به شهرشان برگرداندند» (زینی دحلان، ۱۳۹۶: ۴۰).

نوشتار اول: مفهوم‌شناسی

مقدمه

رهبر معظم انقلاب در مواضع و بیانات خود درباره جریان تکفیر چیستی و ماهیت جریان تکفیر را توضیح داده‌اند. ایشان در این باره معتقدند که؛ جریان تکفیری، الگویی انحرافی از اسلام است که با کمک دول غربی و برخی از دولت‌های مرتجع منطقه و با هدف معارضا با الگوی «اسلام اصول‌گرای معتدل و عقلانی» که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به جهان عرضه شده، تجدید حیات یافته است.

در این مقاله پیش از اینکه در مورد انگیزه‌های تکفیر از دیدگاه مقام معظم رهبری مدظله‌العالی مطلب ذکر کنیم، به تعریف برخی واژه‌ها می‌پردازیم.

۱. تکفیر

تکفیر در لغت از مصدر باب تفعیل به معنای پوشاندن است که دو مصدر ثلاثی مجرد آن (کفر و کُفر) نیز به همین معنا می‌آید؛ عرب زبانان به کشاورز کافر گویند؛ زیرا بذر را زیر خاک

می‌پوشاند. تقول العرب للزراع كافر لانه يكفر البذر بتراب الارض. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: كمثل غيث اعجب الكفار نباته... همانند بارانی که محصولش، کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد. به شب تاریک و ظلمانی نیز کافر گفته می‌شود، زیرا با تاریکی اش اشیاء را می‌پوشاند. به طور کلی هر چیزی که چیز دیگری را پنهان کند می‌گویند: فقد كفره و كفره (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۱۴۶/۵)

هرچند تکفیر، معانی دیگری مانند نسبت دادن غیر به کفر و بی‌دینی نیز دارد. (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۹۱/۲-۲۰۷).

طریحی و شرتونی می‌گویند که واژه تکفیر از ریشه «کفر» است و لغت شناسان برای آن، معانی مختلفی ذکر نموده‌اند. از قبیل: فروتنی نمودن، محوکردن، از بین بردن چیزی. (شرتونی، ۱۹۹۲: ۴/حرف کاف؛ طریحی، ۱۹۸۵: ۳/باب ما اوله الکاف). نسبت دادن کفر به کسی و کافر خواندن او. (شرتونی، ۱۹۹۲: ۴/حرف کاف) «کفره: حمله علی الکفر و نسبه الیه و قال له کفرت». «التکفیر ان یخضع الانسان لغيره... و التکفیر فی الصلوه هو الانحناء الكثير حاله القيام قبل الركوع». (طریحی، ۱۹۸۵: ۳/باب ما اوله الکاف)

دهخدا، در معنای تکفیر گفته است: «تکفیر کردن یعنی به بی‌دینی نسبت کردن، به کفر منسوب کردن و کافر خواندن کسی را». (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵/۶۹۱۰). و می‌گوید: «صاحب مغرب گفته که تکفیر به معنای کافر خواندن، روایت نشده و صاحب قاموس نیز نیاورده، اما، در کتاب‌ها بسیار به کار رفته است. (غیاث اللغات)». (همان)

به هر حال همه اینها با عبارات مختلف به این نکته اشاره کردند که تکفیر عبارت است از اینکه به کسی نسبت بی‌دینی و کفر داده شود.

تکفیر در اصطلاح

مقصود از تکفیر در تحقیق جاری تکفیر اهل قبله می‌باشند. لذا مراد از تکفیر در اصطلاح؛ کافر خواندن و نسبت دادن کفر به کسی که اظهار اسلام نموده و به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اسلام اقرار می‌نماید. البته در تکفیر کسی که به صراحت به انکار اصول اعتقادی اسلام همچون

توحید و رسالت پیامبر اسلام و یا به احکام قطعی اسلام که انکار آنها به انکار رسالت می‌انجامد، تردیدی نیست و چنین کسی از نظر تمام مذاهب اسلامی مرتد و خارج از دین به حساب می‌آید. تکفیر در اصطلاح علم کلام، به معنای از بین رفتن گناهان گذشته به خاطر اطاعت می‌باشد. در مقابل آن احباط است که به معنای از بین رفتن عمل صالح به خاطر معصیت بعدی می‌باشد. (سبحانی، ۳۶۳/۴). تکفیر نیز در اصطلاح به معنای کافر دانستن کسی یا نسبت دادن کفر است (البته معانی دیگر نیز برای تکفیر بیان شده است؛ از جمله پاک کردن گناهان و ابطال عقاب، پرداختن کفاره سوگند (ابن منظور، ۱۳۷۵: ۱۴۸/۳)، نهادن یک دست بر رچی دست دیگر برای ادای احترام (طریحی، ۱۹۸۵: ۴۷۷/۳) یا نهادن یک دست بر روی دست دیگر در نماز (شوکانی، بی‌تا: ۲۰۴/۲؛ عینی، بی‌تا: ۲۷۹/۵)).

تکفیر به معنای نسبت دادن کفر به شخص یا گروهی، در قرآن کریم مصادیق پر شماری دارد، از جمله کسانی حضرت مسیح را خدا پنداشتند (مائده/۷۳-۷۲-۱۷). و افرادی که به مردم جادوگری می‌آموختند. (بقره/۱۰۲). در احادیث نیز عواملی که ممکن است سبب تکفیر شود و نمونه‌ها و شروط آن، به تفصیل، مطرح شده است. اما امروزه تکفیر، کاربرد ویژه‌ای پیدا کرده و به دور از مفاهیم واقعی خود، فقط دست مایه سلب حیثیت و طرد و قتل بخش مهمی از مسلمانان توسط گروه‌های تکفیری و وهابی شده است.

۲. شجره خبیثه

یکی از واژه‌های که در بیان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) درباره جریان تکفیر به کار رفته است، واژه شجره خبیثه است که الهام گرفته از قرآن مجید است. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَالَهَا مِنْ قَرَارٍ. يَتَّبِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ؛ و مثل کلمه خبیثه همچون درخت خبیثی می‌باشد که از روی زمین از بیخ و بن کنده شده و برآمده است و ثبات و قراری ندارد. خداوند ثابت می‌دارد آنان را که ایمان آورده‌اند به گفتار ثابت در زندگی دنیا و در آخرت، و خداوند گمراه می‌سازد ستمکاران را، و خداوند هر کاری را که بخواهد انجام دهد بجای می‌آورد. (ابراهیم/۲۶)

اجْتِثَاتٌ به معنی اِقتِلَاعٌ یعنی از بیخ برکندن است. گفته می‌شود: جَتَّثَهُ وَاجْتِثَّتَهُ یعنی قَلَعْتَهُ

و أَقْلَعَتْهُ. و جُثٌّ با ضمه به زمین برآمده گویند مثل تپه، و جُثَّةٌ به معنی شخص مشهود است. این طور در «مفردات» آورده است.

و کلمه خبیثه در مقابل کلمه طیبه می باشد، و لهذا بر سر آن نیز اختلاف کرده اند و هر گروهی آن را به معنایی تفسیر کرده است که در مقابل تفسیر معنای کلمه طیبه قرار گرفته است. و همچنین در معنی شجره خبیثه اختلاف نموده اند. بعضی گفته اند: مراد «حنظل» است، و بعضی گفته اند: «کُشُوث» می باشد و آن عبارت است از گیاهی که بر خار و بر درخت می پیچد نه در زمین ریشه دارد و نه بر روی خود برگ. و بعضی گفته اند: مراد «سیر» است و بعضی گفته اند: مراد «درخت خار» و بعضی گفته اند: «طَحْلَب» (خزه) می باشد و بعضی گفته اند «كُمَاء» است (نوعی قارچ) و بعضی گفته اند: هر درختی که میوه گوارا نمی دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲/۵۳).

«شجره ملعونه» در قرآن، اشاره به هر گروه منافق، خبیث و مطرود درگاه خدا، مخصوصاً گروه هایی همانند «بنی امیه» و یهودیان سنگدل و لجوج و همه کسانی که در خط آنها گام برمی دارند، باشد، و شجره زقوم در قیامت تجسمی از وجود این شجرات خبیثه در جهان دیگر است، و همه این شجرات خبیثه مایه آزمایش و امتحان مومنان راستین در این جهان هستند. یهودیانی که امروز بر مراکز حساس اسلامی غاصبانه مسلط شده اند، و هر ساعت در گوشه ای از جهان آتشی برمی افروزند، و آن همه جنایت و بیدادگری دارند. همچنین منافقانی که با آنها معاملات سیاسی و غیر سیاسی کرده و می کنند، و همه سلطه گرانی که خط «بنی امیه» را در برابر اسلامدر کل کشورهای اسلامی تعقیب می نمایند، و نیکان را از صحنه اجتماع کنار می زنند، فرومایگان را بر کرده مردم مسلط می کنند، دوستان حق و مجاهدان راستین را شهید و بازماندگان دوران جاهلیت را بر سر کار می گمارند، همه اینها شاخ و برگ شجره خبیثه ملعونه هستند و آزمایشی برای مردم. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۰/۳۳۱)

نوشتار دوم: انگیزه های جریان تکفیر

جریان تکفیر در هر عصر با انگیزه های مختلف ظاهر شد. در عصر امروز نیز با پشتوانه استکبار جهانی انگیزه های مختلف دارد. از جمله انگیزه هایی که دارد، ایجاد اختلاف

در میان مسلمانان، ایجاد اختلاف عقیدتی، ترویج افراطی گری انحرافی، انحراف و سست نمودن اعتقادات دینی مسلمانان، تضعیف اسلام و مسلمانان و انحراف بیداری اسلامی است. در این نوشتار از دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) انگیزه‌های جریان تکفیر را بیان می‌کنیم.

الف- ایجاد اختلاف با شیوه‌های مختلف

از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، جریان تکفیر با شیوه‌های گوناگون ایجاد اختلاف می‌کند.

۱. راه انداختن برادرکشی در میان مسلمانان

مهم‌ترین کارکرد گروه‌های تکفیری برای دشمنان اسلام، اختلاف‌انگیزی میان مسلمانان و دامن زدن به برادرکشی است که امروز در کشورهای اسلامی قابل مشاهده است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این زمینه می‌فرماید:

برادران اهل تسنن هم بدانند که نقشه دشمن، ایجاد اختلاف و تعصب و برادرکشی است. به کمتر از برادرکشی هم راضی نمی‌شوند. ببینید الان در بغداد و شهرهای مختلف عراق چه می‌کنند. مسجد شیعه، مسجد برائا، حرم مطهر امامین عسکریین علیهم‌السلام، مسجد کوفه، هر جا دست‌شان برسد، هر جا يك جمعی که فکر می‌کنند آن‌ها شیعه هستند، آن‌جا انفجار درست می‌کنند و انسان‌های بی‌گناهی را به قتل می‌رسانند. این را دشمن می‌خواهد. دشمن آن‌ها را تغذیه مالی می‌کند؛ سرویس‌های جاسوسی آمریکا و اسرائیل پشت سر این گروه‌های افراطی و تکفیری هستند، ولو عوامل و پیاده‌نظامشان هم خبری ندارند که پشت سر قضیه چیست، اما رؤسایشان می‌دانند. این را آمریکا می‌خواهد. لذا آن‌ها هم بایستی بیدار و متوجه باشند (بیانات در دیدار مردم قم در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۵/۱۰/۱۸).

در جای دیگر می‌فرمایند:

با ایجاد اختلافات، با جنگ‌های داخلی، با ترویج افراط‌گری انحرافی به نام اسلام و به نام دین و شریعت؛ عده‌ای عامه‌ی مسلمانان را، اکثریت مسلمانان را تکفیر کنند. وجود این جریانهای تکفیری که در دنیای اسلام به وجود آمدند، برای استکبار، برای دشمنان جهان اسلام یک مژده است. اینها هستند که به جای توجه به واقعیت خبیث رژیم صهیونیستی،

توجه‌ها را به جای دیگری معطوف می‌کنند» (۲۹ دی ۱۳۹۲ بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی)

۲. ایجاد اختلاف عقیدتی در میان مسلمانان

یکی از راه‌های ایجاد اختلاف، اختلاف در عقائد مذهب اسلامی و تحریف عقاید مذاهب است. رهبری با اشاره به رفتار گروه‌های تکفیری در اختلاف افکنی بین مسلمانان اشاره می‌کند که اختلاف در ذات مذاهب همیشه وجود داشته و این مشکلی به وجود نمی‌آورد. مشکل زمانی آغاز می‌شود که اختلاف عقیدتی به اختلاف روحی، رفتاری و به درگیری و ستیزه‌گری منجر شود. جریان‌های تکفیری در عصر کنونی به شدت در حال اختلافی پراکنی و ستیزه‌جویی و فسادگری در امت اسلامی هستند. (بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۲/۶/۲۰)

از دیدگاه ایشان، اختلاف عقیدتی میان مذاهب اسلامی، از جمله شیعه و سنی، امری طبیعی است و مشکلی به وجود نمی‌آورد. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که این اختلاف عقیدتی دست‌آویزی برای تکفیر و آدم‌کشی شود: «آن‌ها که قدرت یکپارچه اسلامی را مانع هدف‌های خبیث خود می‌دانند، دامن‌زدن به اختلاف‌ها در درون امت اسلامی را آسان‌ترین راه برای مقصود شیطانی خود یافته‌اند و تفاوت‌های نظری در فقه و کلام و تاریخ و حدیث را دست‌آویز تکفیر، خون‌ریزی، فتنه و فساد ساخته‌اند. (همان)

رهبر معظم انقلاب، شکل‌دهی و دامن‌زدن به اختلافات عقیدتی را سیاست کهنه و قدیمی استعمار به ویژه انگلیسی‌ها در سده‌های اخیر می‌داند به طوری که اختلاف افکنی میان شیعه و سنی و سایر فرقه‌ها و طوایف اسلامی، ابزار آنان برای سلطه و انحراف افکار و اذهان مسلمین از دشمن اصلی آنها یعنی اسرائیل است. (همان)

۳. یاری دادن به صهیونیستها از وجود اختلاف میان مسلمانان

امروز اسرائیل به سوی ضعف و نابودی می‌رود. برای حفظ خود به هر دسیسه و هر حيله متوسل می‌شوند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ضعف اسرائیل در مقابل یک میلیارد و نیم مسلمان را عاملی برای دست‌یازیدن دشمن به ابزار تفرقه می‌داند و می‌فرماید:

دشمن صهیونیستی در مقابل یک میلیارد و نیم مسلمان عددی به حساب نمی‌آید. اختلاف در دنیای اسلام - این ضعفی که در درون دنیای اسلام است - موجب می‌شود که دشمن ضعیف بتواند راه خود را پیدا کند، یارگیری کند، از بین برادران مسلمان، دشمن برای خود یارگیری کند. (بیانات در سالروز ولادت حضرت امیر المؤمنین، ۱۳۸۸/۰۴/۱۵)

یاران صهیونیزم امروز، گروه‌های تکفیری، آل سعود و آل خلیفه است که خون بی‌گناه مسلمانان فلسطین، بحرین، یمن، سوریه و دیگر کشورهای اسلامی را روی خاک می‌ریزند. اینها بهترین یاران استکبار جهانی هستند و توسط آنها برای رسیدن به مقاصد شوم شان، دست و پا می‌زنند.

۴. ترویج افراطی‌گری انحرافی

ایشان ترویج افراطی‌گری انحرافی به نام اسلام و به نام دین و شریعت و ایجاد جریان‌های تکفیری در جهان اسلام را یک «مژده» برای دشمنان اسلام و استکبار می‌دانند؛ چرا که «به جای توجه مسلمانان به واقعیت خبیث رژیم صهیونیستی، توجه‌ها را به جای دیگری معطوف می‌کنند چرا که آنان خوب فهمیدند که اگر در دنیای اسلام مذاهب اسلامی گریبان یکدیگر را بگیرند و کشمکش با همدیگر را شروع کنند، رژیم غاصب صهیونیست نفس راحتی خواهد کشید.» (۲۰/۰۶/۱۳۹۲) بیانات در دیدار کارگزاران (حج)

۵. حمایت مالی برخی کشورها به تکفیر و از بین بردن یکپارچگی مسلمانان

کشورهای دین‌ستیز و اسلام‌ستیز برای بین بردن یکپارچگی مسلمانان به تکفیری‌ها حمایت مالی می‌کنند که رهبر معظم انقلاب حمایت مالی برخی از کشورها در «تهدید»، «تکفیر»، «ترور و بمب‌گذاری» و «ریختن خون مسلمانان» را در راستای برافروختن کینه‌ها و اختلاف‌ها می‌دانند و می‌فرمایند که؛ هدف آنان از بین بردن یکپارچگی امت اسلامی است درحالی که همکاری در فقه، تاریخ و حدیث در میان مسلمانان امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی تهران، سالن اجلاس سران، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹)

۶. آموزه استعماری بودن اختلاف میان مسلمانان

در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، دستور خداوند به مسلمانان مبنی بر حفظ وحدت،

اتحاد میان مسلمانان آموزه‌ای قرآنی و اختلاف میان مسلمانان و تکفیر یکدیگر، آموزه‌ای استعماری است. ایشان در این خصوص، ابراز تأسف می‌کنند از اینکه چرا برخی از حکومت‌های اسلامی، به جای قرآن از دشمن خط گرفته و برای او کار می‌کنند:

یکی از دستورات قرآن این است که آحاد امت اسلامی با یکدیگر متحد باشند. دست در دست یکدیگر بگذارند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» این خطاب به ماست. خطاب به ملت‌های مسلمان کشورهای اسلامی است، خطاب به همه مؤمنین به اسلام در سراسر دنیا است. نقطه مقابل این آموزش قرآنی، آموزش استعماری است: اختلاف میان مسلمانان. يك عده، يك عده دیگر را تکفیر و لعن کنند و خود را از آن‌ها بری بدانند. این چیزی است که امروز استعمار می‌خواهد؛ برای اینکه ما با هم نباشیم. متأسفانه بعضی از دولت‌های اسلامی و حکومت‌های اسلامی فریب می‌خورند؛ آن‌ها هم داخل بازی دشمن می‌شوند؛ فریب دشمن را می‌خورند و برای دشمن کار می‌کنند؛ گاهی دانسته، گاهی هم ندانسته» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم - ۱۸/۰۳/۱۳۹۲)

۷. ایجاد بدبینی بین شیعه و سنی

فعالیت‌های جریان تکفیری در راستای اختلاف افکنی بین مسلمانان از راه معطل گذاشتن جوامع اسلامی، ترویج افراط‌گرایی انحرافی و تکفیر به نام اسلام و به شریعت، خشنودی دشمنان اسلام و تلاش برای بدبین کردن مسلمانان اعم از شیعه و اهل سنت، نسبت به یکدیگر صورت می‌گیرد. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) معتقدند که؛ حضور نیروهای تکفیری که امروز متأسفانه در برخی از نقاط منطقه فعالند، خطر بزرگشان این نیست که بی‌گناهان را می‌کشند، آن‌ها هم جنایت است، بزرگ است؛ اما خطر بزرگ این است که دو گروه شیعه و سنی را نسبت به هم بدبین می‌کنند؛ این خیلی خطر بزرگی است؛ جلوی این بدبینی را باید بگیریم. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری پس از پایان پانزدهمین اجلاس رسمی دوره چهارم مجلس خبرگان رهبری، ۱۵/۱۲/۱۳۹۲).

تحریک شیعه و سنی با بدگویی و تهمت و تقابل با یکدیگر با ابزارهای ارتباط جمعی و سرمایه گذاری مالی غرب در این راستا، سبب می‌شود که سود این اختلاف و تفرقه‌افکنی به جبهه استکبار

برسد. از نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، کسانی که تفرقه بین شیعه و سنی میندازند، نه شیعه هستند و نه سنی، بلکه صرفاً به دنبال آتش افروزی و ایجاد درگیری و پیشبرد خواست و اهداف دشمنان اسلام هستند. ایشان، دشمنان اصلی اسلام را نه تکفیری‌ها و سلفی‌ها و گروه‌های افراطی، بلکه تحریک کنندگان و حامیان مالی و تسلیحاتی آنان می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند:

اما دشمن اصلی، آن کسی است که اینها را تحریک می‌کند، آن کسی است که پول در اختیارشان می‌گذارد، آن کسی است که وقتی انگیزه آنها اندکی ضعیف شد، با وسایل گوناگون آنها را انگیزه دار می‌کند؛ دشمن اصلی، آن کسی است که تخم شکاف و اختلاف را بین آن گروه نادان و جاهل و ملت مظلوم می‌افشاند؛ اینها آن دست پنهان سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی است. لذا ما مکرر گفته ایم این گروه‌های بی‌عقلی را که به نام سلفی‌گری، به نام تکفیر، به نام اسلام با نظام جمهوری اسلامی مقابله می‌کنند، دشمن اصلی نمی‌دانیم؛ فریب خورده می‌دانیم؛ دشمن اصلی آن دشمن پشت پرده است، آن دست نه چندان پنهانی است که از آستین سرویس‌های امنیتی بیرون می‌آید و گریبان مسلمانان را می‌گیرد و آنها را به جان هم می‌اندازد (بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی در حرم مطهر امام خمینی علیه السلام، ۱۴/۰۳/۱۳۹۳)

ب) انحراف و سست نمودن اعتقادات دینی مسلمانان

یکی از ترفندهای تکفیری‌ها و دشمنان اسلام، انحراف و سست نمودن اعتقادات دینی مسلمانان است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این مورد می‌فرماید: سست کردن اعتقادات دینی و سیاسی و تلاش برای جذب جوانان فعال و اثرگذار در سطوح مختلف از جمله برنامه‌های لشکر سیاسی و فرهنگی دشمن است. (بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳/۰۷/۱۳۹۴)

در جای دیگر می‌فرماید:

آنچه مسلم است، اینان در جهت کلی قطعاً ۱۸۰ درجه در جهت مخالف اسلام حرکت می‌کنند. اسلام همراهی با دشمنان دین‌راه، ولایت دشمنان دین‌راه، ولایت مستکبرین را جزو چیزهایی دانسته است که مؤمن باید از آن برکنار باشد (بیانات در محفل انس با قرآن در اولین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵ در حسینیه امام خمینی علیه السلام، ۰۸/۰۴/۱۳۹۳)

ایشان اسلام تکفیری را نیز چون اسلام لایبیک در ذیل اسلام امریکایی و اسلام در راستای منافع دشمنان دین و در مقابل اسلام راستین به شمار آورده و می‌فرمایند:

دو الگوی «اسلام تکفیری» و «اسلام لایبیک» از سوی غرب به شما پیشنهاد شده و خواهد شد تا الگوی «اسلام اصولگرای معتدل و عقلانی» در میان انقلاب‌های منطقه تقویت نشود. کلمات را دوباره و به دقت تعریف کنید ... دموکرات بودن» اگر به معنای مردمی بودن و انتخابات آزاد در چارچوب اصول انقلاب هاست، همه دموکرات باشید و اگر به معنای افتادن به دام لیبرال دموکراسی درجه دوم و تقلیدی باشد، هیچ یک دموکرات نباشید. «سلفی‌گری» اگر به معنای اصولگرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیای شریعت و نفی غربزدگی باشد، همگی سلفی باشید و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی خواهد شد (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

ایشان تأکید می‌کنند که به چنین اسلامی که با دامن زدن به جنگ‌های قبیله‌ای و مذهبی، اشداء با مؤمنین و رحماء با کفار است نباید اعتماد کرد؛ چراکه آن همان اسلام امریکایی و انگلیسی است که مسلمانان را به دام سرمایه داری غرب و مصرف زدگی و انحطاط اخلاقی می‌کشاند. (همان)

ج) تضعیف اسلام و مسلمانان

امروز کسانی هستند که سلاحشان تکفیر است؛ و بر تکفیری بودن فخر می‌کنند و در جهت تضعیف اسلام و مسلمین حرکت می‌کنند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بزرگترین جنایت جریان تکفیر را این می‌داند که با جنایات و ددمنشی خود چهره اسلام را در جهان مخدوش و آن را در مقام دینی خشن و بدوی به جهانیان معرفی کند: «جریان تکفیر چهره اسلام را در دنیا مخدوش و زشت کرد. همه دنیا در تلویزیون‌ها دیدند که کسی را می‌نشانند و با شمشیر گردن می‌زنند، بدون اینکه جرمی برای او معین شده باشد. «لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يَخْرُجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»*

إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ» (الممتحنه/۸ و ۹) این‌ها درست به عکس عمل کردند؛ مسلمان را کشتند، غیر مسلمان غیر متعرض را زیر شمشیر نشانند، تصویر آن در همه دنیا پخش شد، همه دنیا این را دیدند. همه دنیا دیدند که یک نفری به نام اسلام دست کرد از سینه یک آدم کشته شده، دل او را بیرون آورد و به دندان کشید! این را دنیا دید. این‌ها به نام اسلام تمام شد؛ اسلام رحمت، اسلام تعقل، اسلام منطق، اسلام «لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ» (الممتحنه/۸ و ۹)، این اسلام را این‌ها این طوری معرفی کردند؛ از این جنایتی بالاتر؟ از این فتنه‌ای خبیث‌تر؟ این مربوط به جریان تکفیر است. (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در «کنگره جهانی جریانهای افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۱۳۹۳/۰۹/۰۴)

یکی از بارزترین پیامدهای فعالیت گروه‌های تکفیری و تندرو، دامن زدن به موج اسلام‌هراسی است که پس از حادثه یازدهم سپتامبر در غرب شدت گرفت. از نظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، وجود جریانهای تکفیری در اسلام، برای استکبار و دشمنان جهان اسلام يك مؤذنه است. اینها به جای توجه به واقعیت خبیث رژیم صهیونیستی، توجه‌ها را به جای دیگری معطوف می‌کنند. درست نقطه‌ی مقابل آنچه اسلام خواسته است؛ اسلام از مسلمانان خواسته است که «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» [باشند]؛ مسلمانان باید در مقابل دشمنان دین سرسخت باشند، باید بایستند، باید تحت نفوذ قرار نگیرند؛ «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» صریح آیه‌ی قرآن است. (الفتح/ ۲۹) بین خودشان مهربان باشند، با هم باشند، دست در دست یکدیگر بگذارند، اعتصام به حبل‌الله بکنند؛ این دستور اسلام است. آن وقت يك جریانی به وجود بیاید که مسلمانها را تقسیم کند به مسلم و کافر! عده‌ای را به عنوان کافر هدف قرار بدهد، مسلمانها را به جان هم بیندازند! چه کسی میتواند شك کند که وجود این جریانه‌ها و پشتیبانی این جریانه‌ها و تمویل این جریانه‌ها و دادن سلاح به اینها کار استکبار است و کار دستگاه‌های امنیتی خبیث دولتهای استکباری است؟ می‌نشینند و برای همین کار برنامه‌ریزی می‌کنند. (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۹/۲۱)

ایشان همچنین با اشاره به تحجر و ارتجاع و جمود فکری کشورهای وهابی منطقه، آن‌ها

را محکوم می‌کنند به اینکه به وجهه علمی و عقلانی اسلام ضربه می‌زنند:

سعی کردند و انمود کنند که شریعت اسلامی با پیشرفت و تحول و تمدن سازگار نیست. این، حرف دشمن است. نخیر! کاملاً سازگار است. البته در دنیای اسلام کم نیستند کسانی که با روحیه تحجر و ارتجاع و جمود و عدم قدرت اجتهاد توانسته‌اند این حرف دشمن را به نحوی تبیین و اثبات کنند. این‌ها مسلمان هستند، اما در خدمت آن‌هایند. ما در اطراف خودمان، در برخی از این کشورهای اسلامی، از این قبیل داریم. اسم‌شان مسلمان است، اما يك ذره فکر نو، نگاه نو، فهم نو از معارف اسلامی، انسان در آن‌ها مشاهده نمی‌کند. اسلام مال همیشه دنیاست، اسلام مال همه قرن‌هاست، اسلام مال همه دوران‌های پیشرفت بشری است؛ جوابگوست. آن فکری که بتواند پاسخگویی اسلام را به این نیازها بفهمد، باید آن را پیدا کرد. بعضی‌ها این فکر را ندارند؛ فقط بلدند این را تکفیر کنند، آن را تفسیق کنند، اسم خودشان را هم مسلمان بگذارند. در نهایت هم يك وقت‌هایی انسان می‌بیند که در يك مواردی سرشان با سر مزدوران دشمن در يك آخور است! شریعت اسلامی و فکر اسلامی را محور فعالیت خودمان قرار بدهیم؛ این هم یکی از هدف‌هاست (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۹/۲۱)

د) انحراف بیداری اسلامی

یکی از انگیزه‌های جریان تکفیر، انحراف بیداری اسلامی است که در کشورهای مختلف، راه افتاده است. نه فقط در کشورهای اسلامی حتی در کشورهای غیر اسلامی بیداری اسلامی و آثار آن پیدا است. یکی از انگیزه‌های جریان تکفیر، به انحراف کشاندن بیداری اسلامی و مخدوش ساختن آن است. رهبر معظم انقلاب یکی از اهداف دشمنان از اختلاف‌انگیزی میان مسلمانان را به انحراف کشاندن بیداری اسلامی و تبدیل آن به درگیری‌های خونین مذهبی و قومی و نژادی عنوان کرده و می‌فرماید:

امروز یکی از خطرناک‌ترین چیزهایی که نهضت بیداری اسلامی را تهدید می‌کند، اختلاف‌افکنی و تبدیل این نهضت‌ها به معارضه‌های خونین فرقه‌ای و مذهبی و قومی و ملی است. این توطئه هم‌اکنون از سوی سرویس‌های جاسوسی غرب و صهیونیست، با کمک دلارهای نفتی و سیاست‌مداران خودفروخته، از شرق آسیا تا شمال آفریقا و به‌ویژه در منطقه عربی، با جد و اهتمام دنبال می‌شود؛ پولی که می‌توانست در خدمت بهروزی خلق خدا

باشد، خرج تهدید، تکفیر، ترور و بمب‌گذاری و ریختن خون مسلمانان و برافروختن آتش کینه‌های درازمدت می‌گردد (بیانات در اجلاس جهانی علماء و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹)

رهبر انقلاب در سال ۱۳۸۵، زمانی که هنوز قیام‌های مردمی در کشورهای عربی علیه حاکمان فاسد و دست‌نشانده آمریکا به صورت گسترده آغاز نشده بود، هشدار دادند و فرمودند که دشمن قصد دارد این حرکت را با دعوای مذهبی و ایجاد تفرقه میان شیعه و سنی خنثی کند: امروز بیداری اسلامی و حرکت به سمت دست‌یابی به ارزش‌های الای اسلامی، یک‌جان تازه‌ای گرفته است. در همه دنیای اسلام، به‌خصوص جوان‌ها، باسوادها، دانشگاهیان، دانشجویها، طبقه فهمیده و عامه مردم، میل‌شان به اسلام و حاکمیت ارزش‌های اسلامی با سی‌چهل سال قبل مقایسه‌شدنی نیست. بیداری اسلامی شروع شده است. آن‌ها هم از همین می‌ترسند؛ می‌خواهند همین را نابود کنند. نگذارند این بیداری اسلامی، این حرکت عمومی در دنیای اسلام، به‌وسیله نقشه دشمن خنثی بشود که عبارت‌تداز: به‌جان هم انداختن شیعه و سنی. در دعوای مذهبی وقتی که دو طرف با تعصب با یکدیگر مشغول بحث و جدل می‌شوند، بسیاری از حرف‌های منطقی لگدمال خواهد شد. حرف‌های منطقی را هم دیگر کسی نمی‌شنود. نگذارند؛ به‌خصوص روشن‌فکران‌شان و علمایشان مراقب باشند، نصیحت کنند و اعلام کنند این اتحادی را که ما دنبالش هستیم و مکرر گفته‌ای (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اقشار مختلف مردم قم در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۵/۱۰/۱۸)

ایشان در سال ۱۳۹۰، در اوج قیام‌های مردمی که در راستای بیداری اسلامی در حال اتفاق بود، در خصوص نقشه دشمن برای تفرقه‌انگیزی در میان مردم کشورهای منطقه گوش‌زد کردند و فرمودند: مردم (در کشورهای منطقه) باید مراقب حرکات تفرقه‌افکنانه دشمنان باشند. امروز، هم در مصر، هم در تونس، در شمال آفریقا و در سایر کشورهای اسلامی، دشمنان در پی ایجاد تفرقه‌اند. به‌خصوص چون ایران اسلامی کانون حرکت در مقابل استکبار است، می‌خواهند بین ایران اسلامی و کشورها فاصله‌های قومی و مذهبی بیندازند. حتی در داخل خود این کشورها می‌خواهند تفرقه ایجاد کنند. امروز در مصر کسانی از این گروه‌های تکفیری و وهابی تلاش می‌کنند به بهانه‌های مختلف بین مردم مصر با یکدیگر هم اختلاف بیندازند. باید در مقابل این اختلاف‌افکنی‌ها هوشیار بود (بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۴/۰۳/۱۳۹۰)

در نگاه رهبر معظم انقلاب، یکی از جنایات جریان تکفیر، منحرف کردن حرکت بیداری اسلامی و خط مقدم مبارزه در منطقه را از مرزهای فلسطین اشغالی به شهرها و خیابان‌های کشورهای اسلامی کشانده است. از نظر ایشان:

حرکت بیداری اسلامی یک حرکت ضدآمریکا، ضداستبداد، ضد دست نشانندگان آمریکا در منطقه بود؛ حرکتی از سوی عموم مردم در کشورهای مختلف شمال آفریقا که علیه استکبار بود، علیه آمریکا بود که جریان تکفیر، این حرکت عظیم ضداستکباری و ضدآمریکایی و ضداستبدادی را به جنگ بین مسلمانان و به برادرکشی تغییر جهت داد. خط مقدم مبارزات در این منطقه مرزهای فلسطین اشغالی بود. جریان تکفیر آمد این خط مقدم را تبدیل کرد به خیابان‌های بغداد و مسجد جامع سوریه و دمشق و خیابان‌های پاکستان و شهرهای مختلف سوریه؛ این‌ها خط مقدم مبارزه شد (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۱۳۹۳/۰۹/۰۴).

نتیجه

تکفیر مسلمانان چه در قالب فتوی به کفر و چه بصورت عملی و رفتارهای خشونت‌آمیز، فاجعه شومی است که منشأ در تئوری پردازهای تفکرات افراطی دارد.

در منابع حدیثی مذاهب و سیره اهل بیت علیهم‌السلام به شدت چنین رفتارهایی نکوهش شده و بر احترام متقابل در سایه توحید و نبوت، تصریح شده است. خوارج بنیان‌گذاران رسمی تکفیر به طور گسترده بودند.

ابن تیمیه را می‌توان احیاکننده اندیشه تکفیر در جهان اسلام پس از فراغت نسبی از این رفتارها دانست؛ زیرا وی بر لزوم سرکوب هرکس عقیده مخالف داشته باشد، تأکید نموده و بسیاری از شعائر و مراسم‌های رایج در میان مسلمانان را مورد انتقاد قرار داده است.

سرسلسله تکفیر نوین را باید محمد بن عبدالوهاب بنیان‌گذار فرقه وهابیت دانست. از وی حکم به کفر تا رفتارهای خشنی نقل شده است. او الگوی ناپسندی برای گروه‌های افراطی گردیده است.

در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) جریان‌های تکفیری، با درک ناقص از

مفاهیمی مانند «توحید» و «شُرک» و سایر مفاهیم دینی، به تکفیر و رد عقاید سایر مسلمانان می‌پردازند. همچنین نوعی اخلاق نابهنجار و مریض و مسموم از سوی جریان‌های تکفیری تولید شده است که مهم‌ترین خصوصیت آن، «جهالت» و بی‌خبری و نوعی خباثت درونی است که منجر به دوری از حقیقت و بی‌تقوایی و فساد انگیزی شده است که به سمت تباهی و سقوط در حرکت است.

مهم‌ترین ویژگی جریان‌های تکفیری در اندیشه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) را می‌توان ستیزه جویی، خشونت، ترور و در نهایت جنایت و خونریزی را نام برد و در جنبه رفتار اجتماعی، ایجاد کننده تفرقه میان مسلمانان، نابود کننده تمدن و فرهنگ اسلامی و غیر اسلامی و نیز تقویت کننده دشمنان اسلام از مهم‌ترین ویژگی‌های رفتاری این جریان‌هاست که به شدت از جنبه اخلاقی و عقیدتی متأثر است.

کتابنامه

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۵ ق). *لسان العرب*، بیروت: دار بیروت.
- ابن بطوطه، محمد بن عبدالله (۱۴۰۵ ق)، *رحلة ابن بطوطه*، بیروت: دار البیروت.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۰ ق)، *منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة والقدریة*، مصر: دار الکفر، چاپ دوم.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶ ق)، *رأس الحسین*، بیروت: دار الکتب العربی، اول.
- _____ (بی تا)، *اقتضاء الصراط المستقیم*، بیروت: دار المعرفة.
- _____ (بی تا)، *الجواب الباهر فی زوار المقابر*، مصر: سلفیه.
- _____ (بی تا)، *الرد علی الاخنائی*، مصر: سلفیه.
- _____ (بی تا)، *الفتاوی الکبری*، بیروت: دار المعرفة.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (بی تا)، *الدرر الكامنة فی أعیان المأة الثامنة*، مصر: دار الکتب الحدیثة.
- امین، سید محسن (۱۳۴۷ ق)، *کشف الإرتیاب عن عقائد محمد بن عبد الوهاب*، دمشق: بی نا
- امین، سید محسن (۱۳۷۶ ق) *تاریخچه*، نقد و بررسی وهابی ها، ترجمه سید ابراهیم سید علوی، تهران: امیر کبیر.
- آلوسی، سید محمود (۱۳۴۷ ق)، *تاریخ نجد*، بی نا.
- برازش، علیرضا، (۱۳۹۵). *وحدت و همگرایی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر.
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در اجلاس جهانی علماء و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹.
- _____ در خطبه های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
- _____ در دیدار شرکت کنندگان در «کنگره ی جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»، ۱۳۹۳/۰۹/۰۴.
- _____ در دیدار شرکت کنندگان در مسابقات بین المللی قرآن کریم - ۱۳۹۲/۰۳/۱۸.
- _____ در دیدار مردم قم در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۳۸۵/۱۰/۱۸.
- _____ در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.
- _____ مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه های جهان اسلام و بیداری اسلامی، ۱۳۹۱/۹/۲۱.
- _____ در اجلاس جهانی علماء و بیداری اسلامی تهران، سالن اجلاس سران، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹.
- _____ در اجلاس جهانی علماء و بیداری اسلامی تهران، سالن اجلاس سران، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹.

- _____ در دیدار اعضای ستاد کنگره شهدای استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳/۰۷/۱۳۹۴.
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری پس از پایان پانزدهمین اجلاس رسمی دوره چهارم مجلس خبرگان رهبری، ۱۵/۱۲/۱۳۹۲.
- _____ در دیدار شرکت‌کنندگان در «کنگره‌ی جهانی جریانهای افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام»، ۰۴/۰۹/۱۳۹۳.
- _____ در دیدار کارگزاران حج، ۲۰/۰۶/۱۳۹۲.
- _____ در دیدار کارگزاران حج ۲۰، ۰۶/۱۳۹۲.
- _____ در سالروز ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۵/۰۴/۱۳۸۸.
- _____ در محفل انس با قرآن در اولین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۵ در حسینیه امام خمینی علیه السلام، ۰۸/۰۴/۱۳۹۳.
- _____ در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی در حرم مطهر امام خمینی علیه السلام، ۱۴/۰۳/۱۳۹۳.
- _____ در دیدار اقشار مختلف مردم قم در سالروز عید سعید غدیر خم، ۱۸/۱۰/۱۳۸۵.
- زینی دحلان، احمد (۱۳۹۶ق)، *الدرر السنیه فی الرد علی الوهابیه*، استانبول: مکتبه ایشیق.
- _____ (۱۳۹۶ق)، *فتنة الوهابیه*، استانبول: مکتبه ایشیق.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۰ش)، *آیین وهابیت*، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دهم.
- سلیمان بن عبدالوهاب (۱۴۲۰ق)، *الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه*، بی‌جا: الهدایه، چاپ اول.
- شرتونی، سعید (۱۹۹۲م)؛ *اقرب الموارد*، بیروت: مکتبه لبنان.
- صلاح الدین، مختار (۱۳۹۰ق)، *تاریخ المملكة العربیة السعودیة*، بیروت: دار مکتبه الإحیاء.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (بی‌تا)، *تاریخ الطبری*، تحقیق: نخبه من العلماء الاجلاء، بیروت - لبنان: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بی‌جا.
- طبسی، نجم الدین (۱۴۲۰ق)، *الوهابیه؛ دعاوی و ردود*، تهران: مشعر، چاپ اول.
- طریحی، فخر الدین (۱۹۸۵م)، *مجمع البحرین*، بیروت: مکتبه الهلال، چاپ اول.
- عاملی، سید محمد جواد (بی‌تا)، *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العامه*، مصر: بی‌نا.
- عثمین، محمد بن صالح (۱۴۲۶ق)، *شرح کشف الشبهات*، ریاض: دار الثریا، چهارم.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۹۳)، *دائرة المعارف قرآنی*، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: چاپ اول.

